



## Fetus Alimony and the Challenges Caused by Alimony to Pregnant Women After Divorce in Iran's Legal System

Sediqah Mahdavi Kani<sup>1</sup>

Zahra alsadat Najmabadi<sup>2</sup>

DOI:

10.30497/FLJ.2024.244380.1905



### Abstract

The disagreement of jurists regarding the right of a pregnant woman to receive alimony and its ownership during the period of Uddah (period for woman after divorce may not be married to another man) and also unconventional and laboratory fertility, is due to the difference of opinion regarding the nature of alimony for pregnancy, and this issue has led to challenges that can be referred to the hardship and embarrassment of the woman, alimony on unconventional and illegitimate fertility, the diversity of the judicial procedure and the selection of the competent court regarding the cases related to the maintenance of the fetus. This study, which is done by descriptive and analytical approach and is written in a library document method, after examining the nature of alimony for the fetus in the opinions of jurists and jurists in terms of addition to the alimony of kinship or marriage, explains the effects and challenges caused by this difference and suggests determining an identity independent of marriage and kinship for fetus alimony as a solution to the existing challenges and to create unity of judicial procedure.

**Keywords:** alimony for the fetus, marriage alimony, kinship alimony, legitimate fetus, abnormal fertility.

---

1. Associate professor, Department of Fiqh and the Fundamentals of Islamic Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. S.mahdaviksni@isu.ac.ir

2. (Corresponding author) Ph. D candidate in Fiqh and the Fundamentals of Islamic Law Sadiq University, Tehran, Iran. z.najm@isu.ac.ir



## نقعه حمل و معضلات ناشی از انفاق به حامل پس از مفارقت از زوج در نظام حقوقی ایران

صدیقه مهدوی کنی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۲

زهرا السادات نجم‌آبادی\*<sup>۲</sup>

Doi: 10.30497/flj.2024.244380.1905

### چکیده

اختلاف نظر فقها در خصوص استحقاق زن باردار در دریافت نفقه و مالکیت آن در دوران عدّه و همچنین باروری‌های غیرمتعارف و آزمایشگاهی، ناشی از اختلاف‌رأی درباره ماهیت نفقه حمل بوده؛ و این امر معضلاتی را به دنبال داشته است که می‌توان به عسرو حرج زن، انفاق در باروری‌های نامتعارف و نامشروع، تشتت رویه قضایی و انتخاب دادگاه صالح در خصوص پرونده‌های نفقه جنین اشاره کرد. پژوهش حاضر که به روش اسنادی کتابخانه‌ای نگاشته شده و از نوع توصیفی - تحلیلی است؛ پس از بررسی ماهیت نفقه جنین در آراء فقها و حقوق‌دانان از حیث الحاق به نفقه قرابت یا زوجیت، به تبیین آثار و معضلات ناشی از این تفاوت پرداخته و تعیین هویتی مستقل از زوجیت و قرابت برای نفقه جنین را جهت راه‌حل مسائل موجود و ایجاد وحدت رویه قضایی پیشنهاد می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها:** باروری نامتعارف، حمل مشروع، نفقه حمل، نفقه زوجیت، نفقه قرابت.

---

۱. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.

s.mahdavicani@isu.ac.ir

۲. (نویسنده مسئول) دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.

z.najm@isu.ac.ir

## مقدمه

عقد نکاح حقوق و تکالیف متعددی را برای زوجین به دنبال دارد که با تحقق آن، زندگی به سمت سعادت‌مندی پیش خواهد رفت. یکی از تکالیفی که بر عهده مرد گذاشته شده است، تأمین معاش خانواده است. از آنجاکه در دوران زندگی مشترک، نقعه زن بر عهده شوهر است، مرد موظف است کلیه مخارج زن، اعم از مسکن، پوشاک، خوراک و دیگر نیازهای او را تهیه کند؛ اما آیا پس از مفارقت و ازین رفتن زوجیت، که یکی از اسباب پرداخت نقعه به زن است، و در دوران عدّه چنین وظیفه‌ای هنوز بر عهده مرد است؟ این سؤال به‌ویژه زمانی بیشتر اهمیت می‌یابد که زن باردار باشد و علاوه بر خوراک و پوشاک و مسکن، هزینه‌های دیگری نیز جهت زایمان و امور درمانی داشته باشد. باید بررسی شود که تأمین این هزینه‌ها بر عهده مرد است یا خیر؟ همچنین در صورتی که در دوران زوجیت، زن ناشزه و همچنین باردار باشد، مرد موظف به انفاق خواهد بود؟ اگر بر عهده اوست، ماهیت پرداخت این هزینه‌ها چیست؟ مرد باید آن را به‌عنوان نقعه زن به او پرداخت کند یا به‌عنوان نقعه فرزند؟ و در واقع این انفاق ملحق به نقعه زوجیت خواهد بود یا نقعه قرابت؟ برای بررسی ماهیت نقعه جنین چند حالت متصور است: اینکه حمل در دوران زوجیت است یا در زمان عدّه طلاق رجعی و بائن، عدّه وفات، عدّه لعان یا عدّه عقد موقت، و باروری به صورت متعارف شکل گرفته یا از طریق نامتعارف بوده است. فقها در احکام نقعه زن باردار به آیه ۶ سوره طلاق به‌عنوان اصلی‌ترین دلیل اشاره می‌کنند؛ اما در خصوص استحقاق زن در دریافت نقعه در شرایط مختلف، اختلاف نظر دارند. این اختلاف نظر ناشی از اختلاف‌رأی درباره ماهیت نقعه است، اینکه نقعه دریافتی توسط زن از باب نقعه زوجیت است یا نقعه اقارب و به تبع آن، از آن حمل یا حامل است؛ زیرا آنچه در خصوص اسباب وجوب نقعه در متون فقهی بیشتر توجه شده است، انحصار سبب در زوجیت و قرابت است؛ اگرچه برخی آراء از وجود شقّ سومی نشان دارد. اختلاف‌رأی در این باره در میان حقوق‌دانان نیز مشاهده می‌شود که تشتت آراء در پرونده‌های قضایی را به دنبال دارد؛ از این رو دستیابی به ماهیت نقعه جنین با هدف ایجاد وحدت‌رویه در این خصوص و حل مسائل جدید

پیرامون نفقه جنین‌های به‌وجودآمده از باروری‌های نامتعارف ضرورت می‌یابد. روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است و جامعه تحقیق دربردارنده مجموعه‌ای از تألیفات فقهی و حقوقی و قضایی است. در این نوشتار پس از بررسی اقوال فقهی و حقوقی درخصوص انفاق به حامل و ماهیت آن، آثار ناشی از اختلاف‌رأی فقها و حقوق‌دانان بیان، و سپس مسائل و معضلات موجود در نظام حقوقی ایران درباره تفاوت ماهوی نفقه حمل، در ضمن بیان آراء فقهی، حقوقی، نظریات مشورتی و نشست‌های قضایی تبیین می‌شود.

### پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی درخصوص ماهیت نفقه جنین صورت گرفته است؛ مانند مقاله «بررسی فقهی - حقوقی نفقه زوجه در عده وفات» نوشته علی اصغر حاتمی و هاجر اصمی اصطهباناتی (۱۳۹۰) که نویسندگان در آن به بررسی نفقه زوجه در ایام عده وفات از منظر فقه پرداخته و درصدد تبیین تفسیر ماده ۱۱۱۰ ق.م. پس از اصلاح برآمده‌اند. در مقاله «بررسی نفقه زن باردار پس از انحلال نکاح در فقه امامیه، اهل سنت و حقوق ایران» نیز به صورت تطبیقی، نفقه زن باردار پس از انحلال نکاح از منظر فقه امامیه و اهل سنت بررسی می‌شود. در این پژوهش، نویسنده صرفاً به جمع‌آوری آراء فقهای مذاهب اسلامی درخصوص نفقه در عده طلاق و وفات و مقایسه آن‌ها با یکدیگر بسنده کرده است (رحمانی، ۱۳۹۸). همچنین در مقاله «وضعیت حقوقی نفقه زن باردار در زمان عده طلاق بائن» آراء فقها درخصوص مالکیت بر نفقه پرداختی به زن باردار در عده طلاق بائن، استحقاق سکونت برای زن و نظریه انقلاب عده بررسی می‌شود. نویسندگان این مقاله، اقوال مختلف فقها را درخصوص نفقه حمل در عده طلاق بائن و وفات بیان، و ادله ایشان را نقد و واکاوی می‌کنند (آل‌طاها، مختاری افرکتی، بشیری، و نوری، ۱۳۹۸). نویسندگان مقاله «مستحق نفقه در باینه باردار» به بیان اقوال مختلف فقها درخصوص مالکیت نفقه پرداختی به زن باینه باردار می‌پردازند (کریمی و احمدی، ۱۳۹۹).

در پژوهش‌های موجود به‌طورعام انفاق به زن یا وضعیت پرداخت نفقه به زن باردار بررسی،

و صرفاً به برخی اسباب جدایی اشاره می‌شود و در هیچ‌کدام از آن‌ها با نگاهی جامع به این موضوع پرداخته نشده است. همچنین پژوهشی یافت نشد که رویه قضایی را در این خصوص بررسی کرده باشد؛ از این‌رو در پژوهش حاضر که ماهیت نفقه جنین از رهگذر بررسی آراء فقهی و حقوقی در تمامی حالات مفارقت زوجین و باروری زن تبیین، و آراء فقهی و حقوقی و همچنین رویکرد دستگاه قضا واکاوی شده است، از حیث بیان نظرهای مشورتی و نشست‌های قضایی و به جهت تبیین مسائل و معضلات موجود در نظام حقوقی و پیشنهاد راه‌حلی برای از میان بردن تشتت رویه در پرونده‌های نفقه جنین، از تألیفات و تحقیقات دیگر متمایز است و جنبه نوآوری دارد.

### ۱. ماهیت نفقه جنین در فقه

حکم پرداخت نفقه به زن هنگامی که از طریق مشروع از همسر خود باردار شود و سپس بین ایشان به طرق مختلف جدایی حاصل شود، و زنی که از روش‌های آزمایشگاهی و غیرمتعارف باردار شده است، گاهی اختلاف نظر وجود دارد و این اختلاف نظر ناشی از تفاوت رأی نسبت به ماهیت نفقه و الحاق آن به نفقه زوجیت یا قرابت است. فقها با تکیه بر اینکه نفقه پرداختی به زن باردار از باب زوجیت یا قرابت است، حکم به انفاق یا عدم آن کرده‌اند؛ از این‌رو تبیین ماهیت نفقه جنین، پس از بررسی آراء فقهی در این باره، امکان‌پذیر است.

#### ۱-۱. حمل متعارف

فقها در خصوص اینکه زن باردار استحقاق دارد در دوران عدّه طلاق رجعی و بائن نفقه دریافت کند، اتفاق نظر و اجماع دارند (فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق، ج ۷، ص ۵۸۰-۵۸۱؛ صاحب‌جواهر، بی تا، ج ۳۱، ص ۳۱۶)؛ اما در دیگر موارد بارداری زن، در خصوص استحقاق او اختلاف نظر دارند. ایشان معتقدند از آنجاکه فسخ نیز مانند طلاق بائن، بینونت کامل است، زن مستحق نفقه نخواهد بود؛ مگر آنکه در دوران عدّه، باردار باشد (صاحب‌جواهر، بی تا، ج ۳۱، ص ۳۲۰؛ سبزواری، ۱۴۱۳ ق، ج ۲۵، ص ۲۹۴)؛ اما برخی نیز در این باره اشکال کرده‌اند و با توجه به ماهیت نفقه قائل به تفصیل شده‌اند؛ بدین صورت که چنانچه نفقه از آن حمل دانسته شود، باید نفقه پرداخت شود؛ ولی اگر نفقه از آن حامل (زن باردار) باشد، در پرداخت آن اشکال وجود

دارد (علامه حلی، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۱۰۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۸، ص ۴۷۵؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق، ج ۷، ص ۵۸۱).

فقها در جدایی به سبب لعان نیز پرداخت نفقه به زن حامل را واجب نمی‌دانند؛ به‌ویژه بنا بر قول کسانی که نفقه را از آن حمل می‌دانند؛ چراکه آنچه از بذل نفقه به زن باردار به ذهن متبادر می‌شود، آن است که زوج سببی برای حمل، و موجب طولانی‌شدن عده است؛ درحالی‌که در لعان، زوج حمل را نفی کرده است و نمی‌توان آن را به او نسبت داد؛ بنابراین موجبی برای پرداخت نفقه وجود ندارد (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۸، ص ۴۷۶؛ صاحب جواهر، بی‌تا، ج ۳۱، ص ۳۲۱؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۳۵۰).

همچنین درخصوص استحقاق دریافت نفقه در عده وفات دو قول وجود دارد؛ برخی از متأخران قائل به عدم استحقاق نفقه هستند (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ ق، ج ۳، ص ۲۷۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۸، ص ۴۵۴؛ سبزواری، ۱۴۱۳ ق، ج ۲۵، ص ۲۹۵؛ خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۳۳۸). برخی از متقدمان نیز معتقدند از نصیب فرزندش به او نفقه پرداخت می‌شود (طوسی، ۱۴۰۰ ق، ص ۵۳۷؛ ابن‌براج، ۱۴۰۶ ق، ج ۲، ص ۳۱۹؛ ابن‌حمزه، ۱۴۰۸ ق، ص ۳۲۹). برای جمع این آراء می‌توان به تفاوت آراء در ماهیت نفقه حمل رجوع کرد. قائلان به اینکه نفقه از آن حمل است، قول قائلان به انفاق از نصیب ولد را تأیید می‌کنند و کسانی که نفقه را از آن زن می‌دانند، قائل به عدم پرداخت نفقه به زن هستند (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۳۶۱).

ازیکسو، در عقد موقت نیز در استحقاق زن جهت دریافت نفقه اختلاف است. برخی قائل به عدم ثبوت نفقه بر معتده منقطعه هستند و ادعای اجماع کرده‌اند (سبزواری، ۱۴۱۳ ق، ج ۲۵، ص ۲۹۵؛ خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۳۳۸)؛ ازسوی دیگر، روایت «الْحَامِلُ أَجْلُهَا أَنْ تَضَعَ حَمْلَهَا وَعَلَيْهِ نَفَقَتُهَا بِالْمَعْرُوفِ حَتَّى تَضَعَ حَمْلَهَا» (حر عاملی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲۱، ص ۵۱۸) که بر ثبوت نفقه بر معتده دلالت دارد، مطلق است و منقطعه را نیز شامل می‌شود. همچنین بنابر رأی کسانی که نفقه را از آن حمل می‌دانند، از آنجاکه زن منقطعه می‌تواند اجرت رضاع را از مرد دریافت کند، پس به‌طریق‌اولی باید نفقه دوران حمل نیز به او پرداخت شود؛ چراکه وجود حمل از

وجود اوست و عدم پرداخت هزینه‌های او در شرایطی که به دلیل وجود حمل قادر به ازدواج نیست نیز ظالمانه خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ق، ج ۲۷، ص ۳۶-۳۷).

## ۲-۱. حمل نامتعارف

تعیین ماهیت نفقه جنین در حمل‌های نامتعارف، از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ زیرا میان مرد و مادرِ جانشین، علقه زوجیتی وجود ندارد و اگر نفقه، نفقه حامل تلقی شود، لزومی بر پرداخت آن به مادر جانشین وجود ندارد؛ اما اگر نفقه جنین باشد، پدر جنین و صاحب نطفه موظف به پرداخت نفقه حمل است (یداللهی باغلوئی، ۱۳۹۲، ص ۹۶). از آنجاکه کودکان متولدشده در آزمایشگاه‌ها و روش‌های گوناگون پزشکی از حقوق برابر با کودکان متولدشده طبیعی برخوردار هستند، در دریافت نفقه نیز مانند آن‌ها هستند؛ از این رو، همان‌طور که در باروری‌های متعارف نفقه جنین بر عهده پدر است، در رحم مادر جانشین نیز بر عهده صاحب نطفه و پدر طبیعی و ژنتیکی او است و تفاوتی میان این دو جنین در پرداخت هزینه‌هایشان از سوی پدر نیست.

## ۲. ماهیت نفقه جنین در حقوق

قوانین در نظام حقوقی ایران به تبعیت از فقه، انفاق به زن را در دوران زوجیت لازم می‌دانند و گاهی، در زمان مفارقت نیز تا مدتی نفقه را ثابت دانسته‌اند. بنابر ماده ۱۱۰۹ ق.م. مطلقه رجعیه در ایام عده مستحق نفقه است و از ظهور ماده به دست می‌آید که در دوران عده طلاق بائن و فسخ نیز نفقه به زن تعلق می‌گیرد (امامی، بی تا، ج ۴، ص ۴۴۰).

درباره نفقه زن باردار در عده وفات تصریحی وجود ندارد. برخی از حقوق‌دانان قائل اند ماده ۱۱۱۰ ق.م. برای زن در عده وفات حق نفقه قرار داده است (اسدی و شکری، ۱۳۹۴، ص ۸۰) و برخی به ظاهر ماده ۱۱۰۹ استناد می‌کنند که قانون‌گذار در مقام بیان حکم نفقه زن حامل یا حائل در مدت عده است و درباره عده وفات آن را تفکیک نکرده است. به همین سبب اطلاق ماده ناظر به عدم استحقاق زن بر نفقه در عده وفات است؛ اما برخی معتقدند انصاف و عدالت قضایی ایجاب می‌کند از قول فقهایی که نفقه را از آن حمل می‌دانند، پیروی کرد و از روح ماده مذکور که استحقاق زن بر نفقه در ایام عده طلاق بائن را منوط به حمل قرار داده است، استنباط



کرد که اتفاق به زن برای حمل است وگرنه طلاق بائن حامل، خصوصیتی دربر ندارد که این حکم انحصاری را دارا باشد؛ در نتیجه زن حامل در عده وفات مستحق نفقه است (امامی، بی تا، ج ۴، ص ۴۴۱).

در خصوص نفقه حمل‌های نامتعارف نیز در ماده ۳ قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور اشاره شده است که وظایف گیرندگان جنین همچون دیگر والدین در برابر فرزندان است و پرداخت نفقه جنین بر عهده آنها است (اسفندیاری و بکلو، ۱۴۰۰ ش، ص ۲۵۸-۲۵۹)؛ از این رو مستفاد از وحدت ملاک در مواد قانونی پرداخت نفقه حمل متعارف، نفقه حمل نامتعارف نیز بر عهده پدر اوست؛ اما قانونگذار به ماهیت نفقه در این نوع حمل اشاره نکرده است.

### ۳. آثار ناشی از تفاوت ماهوی نفقه جنین

پس از بررسی اقوال درباره پرداخت نفقه به زن حامل در فروض مختلف، باید به تبیین آثار ماهیت این نفقه پرداخت؛ بدین بیان که اگر نفقه زن باردار از باب نفقه زوجیت یا از باب قرابت به زن پرداخت شود، به تفکیک دارای آثار متفاوتی خواهد بود.

#### ۳-۱. ملکیت

یکی از مهم‌ترین آثاری که تعیین ماهیت نفقه جنین به دنبال دارد، ملکیت مال اتفاق شده است. اکثر فقها قائل به ملکیت جنین هستند و برخی نیز ملکیت زن نسبت به مال اتفاق شده را معتبر می‌دانند و هریک برای اثبات نظر خود به ادله‌ای استناد جسته‌اند.

##### ۳-۱-۱. نفقه قرابت

بیشتر فقها معتقدند نفقه حمل، ملک حمل است (طوسی، ۱۳۸۷ ق، ج ۶، ص ۲۸؛ ابن‌براج، ۱۴۰۶ ق، ج ۲، ص ۳۴۸؛ بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۲۵، ص ۱۱۱)؛ زیرا اگر زن باردار نبود، مستحق دریافت نفقه نبود و وجوب اتفاق به او به دلیل وجود حمل است؛ بنابراین زمانی که نفقه با وجود حمل واجب، و با نبودش ساقط می‌شود، نفقه از آن حمل خواهد بود (طوسی، ۱۳۸۷ ق، ج ۶، ص ۲۴) و از آنجاکه نفقه دو سبب دارد، یکی زوجیت و دیگری قرابت است، در مفارقت زوجین، زوجیت منتفی است؛ بنابراین نفقه منحصر در قرابت است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ق، ج ۷، ص ۳۰). همچنین ادعای کسانی که اتفاق به زن حامل در دوران عده وفات را از اموال حمل می‌دانند،

دلالت بر این دارد که نفقه برای زن نیست (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۳۵۲). در میان حقوق‌دانان نیز درباره اینکه تأمین هزینه‌های زن از باب حمل و نفقه اوست، یا ملک خود زن است، اختلاف نظر وجود دارد و قانون، تصریحی در این باره ندارد. برخی حقوق‌دانان از قول اکثر فقها تبعیت می‌کنند و نفقه را از آن حمل می‌دانند. ایشان معتقدند آنچه از روح ماده ۱۱۰۹ ق.م. نیز مستفاد است، همین مطلب است (امامی، بی تا، ج ۴، ص ۴۴۱)؛ زیرا به تصریح قانونگذار به واسطه جاری شدن صیغه طلاق بائن، رابطه زوجیت زائل می‌شود و تعهد زوج درباره پرداخت نفقه پایان می‌پذیرد؛ اما تنها به شرط بارداری زن، تعهد زوج به پرداخت نفقه تا زمان تولد جنین ادامه پیدا می‌کند و با وضع حمل، این تعهد نیز از بین می‌رود؛ بنابراین نفقه به خود جنین تعلق خواهد یافت و او محور این حکم است (کریمی، احمدی، ۱۳۹۹، ص ۳۴).

### ۱-۲-۳. نفقه زوجیت

در مقابل آراء پیشین، برخی دیگر از فقها معتقدند نفقه ملک زن است (صاحب جواهر، بی تا، ج ۳۱، ص ۳۲۴؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۳۵۴؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ق، ج ۲۷، ص ۳۷) و به ظاهر نصوص وارد شده استناد می‌کنند؛ از جمله آیه ۶ سوره طلاق «أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أَوْلَاتٍ حَمَلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» که مؤید این امر است؛ چراکه ضمیر هن در تعبیر «عليهن» در آیه مانند دیگر ضمایر آیه، ظهور دارد در اینکه موضوع، زن مطلقه است به طلاق رجعی یا بائن که ضمایر به آن برمی‌گردند (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۳۵۴-۳۵۵). همچنین مفهوم موقوفه سماعه که امام معصوم در خصوص استحقاق اسکان و نفقه برای مطلقه سه‌گانه که حامله نیست، فرمود: «اسکان و نفقه برای آن زن وجود ندارد»<sup>۱</sup> (حر عاملی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲۱، ص ۵۲۰)، ظهور در این دارد که نفقه برای زن است و لام در عبارت «لها» لام ملکیت است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ق، ج ۷، ص ۳۰).

۱. قُلْتُ لَهُ الْمُطَلَّعَةُ تَلَاثًا لَهَا سَكْنِي أَوْ نَفَقَةٌ فَقَالَ مُجَلِبِي هِيَ قُلْتُ لَا قَالَ لَيْسَ لَهَا سَكْنِي وَلَا نَفَقَةٌ.

در کنار تمسک به ظاهر آیات و روایات، برخی از فقها در تقویت نظریه مالکیت حامل بر نفقه، استدلال‌های دیگری نیز بیان می‌دارند؛ از جمله اینکه اگر نفقه از آن فرزند باشد، با ایسار و تمکن مالی او، مثل اینکه ارثی به او برسد یا برای او وصیت شده باشد و پدرش آن را قبول کرده باشد، وجوب پرداخت نفقه ساقط می‌شود. پس هنگامی که با وجود ایسار فرزند نفقه ساقط نمی‌شود، ثابت می‌شود که نفقه از آن او نیست (طوسی، ۱۳۸۷ ق، ج ۶، ص ۲۹). علاوه بر آن، اینکه نفقه از آن زن است، به سبب بارداری او است؛ چراکه بر مطلقه بائنه غیرحامل نفقه واجب نیست (ابن حمزه، ۱۴۰۸ ق، ص ۳۲۸). همچنین تعلق نفقه بر حمل موجب می‌شود، برای مطلقه رجعیه حامل که خود مستحق نفقه است، دو نفقه واجب شود؛ درحالی که قائلان به نفقه حمل نیز به چنین مطلبی ملتزم نیستند (صاحب جواهر، بی‌تا، ج ۳۱، ص ۳۲۴) و بنا بر نظر آنها حتی اگر نفقه را دایر مدار حمل بدانیم، باز هم نمی‌توان فرزند را مالک نفقه دانست؛ در واقع حمل غایبی است، نه اینکه مالک باشد؛ مانند شیردادن که مادر می‌تواند اجرت آن را بگیرد و مالک آن شود. در حمل نیز از آنجاکه وجود بیچه از مادر است، چیزی بیش از شیردادن است؛ بنابراین نفقه به مادر داده می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ق، ج ۷، ص ۲۹-۳۰).

برخی از حقوق‌دانان نیز از این قول فقها تبعیت می‌کنند و معتقدند از آنچه از قوانین موجود به دست می‌آید، مالکیت زن بر نفقه است و بیان می‌کنند ماده ۱۱۰۹ ق.م. به گونه‌ای انشاء شده است که نفقه را متعلق به خود زن می‌داند؛ زیرا آنچه در این ماده استثناء شده، نفقه زوجه است، نه نفقه حمل؛ یعنی زن اگر حامله باشد حق نفقه دارد و ظاهرش این است که خودش حق دارد، نه فرزندش (محقق داماد، بی‌تا، ص ۳۰۳).

در ماده ۱۱۹۹ ق.م. نیز که نفقه اولاد بر عهده پدر است، لفظ اولاد منصرف از مفهوم جنین است و موضوع ماده ۱۲۰۴ ق.م. نیز در خصوص جنین کاربرد ندارد؛ بنابراین چنانچه مطابق نظر برخی از فقها قائل باشیم نفقه از آن حمل است، نتیجه منطقی آن این است که آنچه برای حمل پرداخت می‌شود، داخل در عنوان نفقه نیست، بلکه برای هزینه‌های نگهداری جنین است

(اسدی و شکری، ۱۳۹۴، ص ۸۰) و از آنجا که مصادیق نفقه طفل با هزینه‌های درمانی و تولد جنین همخوانی ندارد، باید نفقه را نفقه زن دانست.

### ۲-۳. مقدار مال انفاق‌شده و نحوه پرداخت آن

یکی از مهم‌ترین ثمره‌های بحث ماهیت نفقه جنین آن است که اگر نفقه برای حمل باشد، جزء نفقه اقارب محسوب می‌شود و چنانچه جنین صاحب مال باشد، نفقه از دارایی او پرداخت می‌شود. همچنین در صورت فقدان پدر، پرداخت آن بر جد پدری واجب می‌شود (وجدانی فخر، ۱۴۲۶ ق، ج ۱۳، ص ۱۳۳). در خصوص مقدار نفقه پرداختی نیز نفقه اقارب به اندازه رفع نیاز منفق علیه و درجه استطاعت منفق است؛ اما در صورتی که نفقه از باب زوجیت به زن باردار پرداخت شود، از سوی مرد و از دارایی‌های او پرداخت می‌شود و ملاک در میزان مال پرداختی نیز وضعیت و نیاز زن است (صاحب جواهر، بی تا، ج ۳۱، ص ۳۳۰؛ خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۳۱۳).

### ۴. معضلات ناشی از تفاوت ماهوی نفقه

همان‌طور که بیان شد میان فقها و حقوق‌دانان در خصوص الحاق نفقه جنین به نفقه زوجیت یا قرابت اختلاف نظر وجود دارد؛ از این رو در میان آراء قضات نیز وحدت رویه‌ای مشاهده نمی‌شود. این امر اشکالاتی را به دنبال دارد که برای مقابله با آن و همچنین ایجاد وحدت رویه، نیازمند بیان اشکالات و مسائل و در نهایت تعیین راه‌حل برای آن از طریق تبیین ماهیت نفقه جنین است.

### ۱-۴. عسرو حرج زن

یکی از معضلاتی که نبود هویت مستقل برای نفقه جنین به دنبال دارد، آسیب‌های جسمی و روحی و مالی است که زن باردار را دچار عسرو حرج می‌کند؛ از جمله مالکیت و به تبع آن نحوه استفاده از مال انفاق‌شده است. با توجه به انطباق تشریح بر تکوین، از آنجا که طولانی شدن مدت عده به سبب وجود حمل است و زن در این مدت نمی‌تواند اقدام به ازدواج کند، معیشت زن بر عهده مرد است و نفقه پرداختی نیز از آن زن خواهد بود؛ چرا که اگر ملک حمل باشد، آن را تنها می‌توان در هزینه‌هایی صرف کرد که مورد نیاز حمل است و نمی‌توان تصرفاتی غیر از آنچه نیاز

جنین است، انجام داد. همچنین در منافع نفقه نیز تصرف جایز نیست؛ از این رو ممکن است حامل در استفاده از آن دچار عسر و حرج شود؛ زیرا در بسیاری از هزینه‌کردها، تعیین مرزی برای اینکه هزینه منظور برای حمل است یا حامل یا اینکه ضروری است یا غیر ضروری، مشکل خواهد بود. همچنین اگر نفقه، ملک زن باشد، با نشوز وی، ساقط می‌شود (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۳۱۳)؛ در حالی که اگر نفقه ماهیتی مستقل داشته باشد، به گونه‌ای که نفقه زن باشد (به دلیل حملش)، در این صورت با نشوز ساقط نمی‌شود و زن می‌تواند هزینه‌های مورد نیاز خود را دریافت کند. علاوه بر آن، در خصوص نفقه ایام گذشته نیز با مسائلی روبه‌رو خواهد شد. با توجه به اینکه زوجه می‌تواند نفقه گذشته خود را از زوج دریافت کند، اما فرزند نمی‌تواند چنین کند، در صورتی که نفقه جنین بر نفقه قرابت حمل شود، در این صورت امکان دریافت نفقه گذشته نخواهد بود. در حالی که اگر نفقه ماهیتی مستقل داشته باشد، امکان دریافت آن وجود خواهد داشت و این امکان نسبت به فروض این مسئله صحیح‌تر خواهد بود؛ چراکه بائنه مطلقه حامل نیز مشمول دریافت نفقه از مرد می‌شود و این در حالی است که نفقه قابل قضا، نفقه زوجیت را شامل می‌شود که پس از طلاق بائن وجود نخواهد داشت.

## ۲-۴. انفاق در باروری‌های نامتعارف و نامشروع

جنین آزمایشگاهی با داشتن دو شرط وجود داشتن و زنده متولد شدن، از حق نفقه برخوردار است و از آنجاکه از حیث نسب ملحق به صاحبان نطفه است، مشمول احکام نفقه است و بنابراین فقها پرداخت نفقه بر عهده پدر طبیعی جنین است (مؤمن، ۱۳۷۷/۱۱/۱۵)؛ چراکه از اسپرم وی به وجود آمده است و به او تعلق دارد (اسفندیاری و بکلو، ۱۴۰۰، ش، ص ۲۵۰-۲۵۱).

در باروری‌های آزمایشگاهی، از آنجاکه میان مرد و مادر جانشین، علقه زوجیتی وجود ندارد، اگر نفقه پرداختی به زن باردار نفقه حامل و از باب زوجیت تلقی شود، لزومی بر پرداخت آن به مادر جانشین وجود ندارد؛ اما با پذیرش ماهیت مستقل برای نفقه جنین، نتایج قابل قبولی برای نفقه حمل در باروری‌های نامتعارف نیز به دست می‌آید و پدر طبیعی جنین و صاحب نطفه مکلف به پرداخت نفقه جنین خواهد بود؛ در عین حال که نفقه مادر جانشین بر عهده شوهر خود او است (یداللهی باغلوبی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۱). نفقه جنین که شامل تأمین هزینه‌های گزاف

این نوع باروری‌ها، جهت تهیه عکس‌های چندبعدی از جنین و مکمل‌های دارویی مادر است، دیدگاه تعیین نفقه مختص به جنین را تقویت می‌سازد (یداللهی باغلوئی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۰). البته این در صورتی است که پدر طبیعی مجهول نباشد؛ اما در شرایطی که صاحب اسپرم مشخص نیست و صاحب رحم با رضایت خود، انتقال جنین را می‌پذیرد، حق مطالبه نفقه را نخواهد داشت (گروه فقه و حقوق و روان‌شناسی پژوهشکده ابن‌سینا، ۱۳۸۰، ص ۲۷۳) و در صورت نبود رابطه خونی میان جنین و شوهر مادر او، انفاق بر عهده مادر و نزدیکان اوست (نصرتی مراللو، ۱۳۹۱، ص ۹۶).

در باروری‌های نامشروع نیز اگر نفقه ملحق به نفقه زوجیت باشد، دریافت آن توسط زانیه توجیهی ندارد و بنابراین بسیاری از فقها، آثار رابطه نسبی میان جنین و زانی به وجود نمی‌آید (صاحب جواهر، بی تا، ج ۲۹، ص ۲۵۶-۲۵۷)؛ از باب قرابت نیز نمی‌توان به زن حامل نفقه‌ای پرداخت کرد. در نظر گرفتن ماهیت مستقل برای نفقه جنین، می‌تواند در این جهت راهگشا باشد. البته برخی از فقها، زنازاده را در حضانت و نفقه در حکم دیگر اولاد می‌دانند (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۸۴) و بنابر رأی وحدت‌رویه ۶۱۷ نیز زانی، پدر عرفی طفل تلقی می‌شود و کلیه تکالیف پدر بر عهده او است.

### ۳-۴. تشتت در رویه قضایی

مهم‌ترین پیامدی که اختلاف‌نظرهای فقهی و حقوقی درباره نفقه جنین به دنبال دارد، تشتت آراء در پرونده‌های قضایی است. همانطور که بیان شد برخی از حقوق‌دانان مطابق نظر مشهور فقها، نفقه پرداختی به زن باردار را از آن حمل می‌دانند. کمیسیون قضات نیز در یک نشست قضایی بیان داشته‌اند حکم ماده ۱۱۹۹ ق.م. مشتمل بر جنین نیز هست و از آنجاکه سلامت جنین به سلامت مادر وابسته است؛ پرداخت نفقه را به میزانی که سلامت زن باردار را تأمین کند، ضروری است<sup>۱</sup> (معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۶۷۰) همچنین

۱. «هر چند زنی که نشوز می‌کند، استحقاق دریافت نفقه را در آن ایام ندارد، با توجه به این‌که مطابق ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی، نفقه اولاد بر عهده پدر است، مطابق ملاک قسمت اخیر ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی زن ناشزه حامله تا زمان وضع حمل حق نفقه را دارا خواهد بود و با توجه به اینکه سلامت جنین بستگی کامل به سلامت مادر و تغذیه صحیح او دارد، نفقه

اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی با استفاده از ملاک ماده ۱۱۰۹ ق م، نفقه را از آن حمل دانسته و به اطلاعات ادله از جمله آیه ۶ سوره طلاق استناد کرده است<sup>۱</sup> (میرزایی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۰۷). رویه قضایی نیز بیشتر به همین سمت سوق دارد؛ اما به جهت اختلاف نظرهای فقهی و حقوقی، آراء مخالفی نیز وجود دارد؛ برای مثال در یکی از آراء صادرشده از محکمه قضایی، دعوای تقاضای تعیین نفقه حمل به دلیل متولد نشدن او، غیر مسموع خوانده شده است که باید پس از تولد جنین مطالبه شود؛ اما مرد را موظف به پرداخت هزینه‌های درمانی وضع حمل زوجه دانسته است؛ چراکه هزینه‌های درمانی و بهداشتی نیز ذیل عنوان نفقه زوجه جای می‌گیرد و این بیان نشان‌دهنده آن است که از نظر قاضی پرونده، نفقه پرداختی به حامل در ایام عدّه، نفقه خود او در نظر گرفته شده است (<https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/7611>).

راه‌حل این مشکل و ایجاد وحدت رویه در این باره با لحاظ ماهیت مستقل برای نفقه جنین امکان‌پذیر است و با این کار اختلاف آراء حقوق‌دانان و تشتت رویه در این باره به سمت ابهام‌زدایی و سامان‌دهی رویه، مبتنی بر عدالت قضایی پیش خواهد رفت.

#### ۴-۴. دادگاه صالح

علاوه بر مسائل ماهوی، در خصوص صلاحیت دادگاه در رسیدگی به پرونده‌های نفقه جنین نیز آثار و نتایج متفاوتی به وجود می‌آید. در دعوای زوجین از جمله نفقه، زوجه می‌تواند بنابر ماده ۱۲ ق.ح.خ. در دادگاه محل سکونت خود اقامه دعوی کند. در صورتی که نفقه جنین را از باب نفقه زوجیت بدانیم، زن باردار مشمول این حکم می‌شود. البته باید توجه داشت ماده

---

نه به مقداری که برای سلامت حمل ضرورت داشته باشد؛ بلکه به میزانی که سلامت زن و حمل را توأمان تامین کند، باید از سوی شوهر پرداخت شود».

۱. نظریه مشورتی شماره ۶۳۲۴/۷ به تاریخ ۲۱/۸/۱۳۸۳: "مستفاد از ملاک ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی این است که آن مقدار از نفقه که برای حفظ و سلامت حمل به تشخیص دادگاه ضرورت داشته باشد، از سوی زوجه قابل مطالبه می‌باشد و در صورت امتناع زوج از پرداخت نفقه حمل، قابل تعقیب کیفری است. بدیهی است زوجه ناشزه حق نفقه ندارد، اعم از اینکه حامل باشد یا حائل؛ ولی نفقه اختصاصی جنین به موجب اطلاعات ادله به عهده پدر است و آیه شریفه (وَ ان کن اثلاث حمل فانفقوا علیهن حتی یضعن حملهن) مؤید این امر می‌باشد."

پیش‌گفته در خصوص زوجه است و مطلقه رجعیه نیز در حکم زوجه است. همچنین در صورت دوام زوجیت و نشوز زوجه باردار، زن می‌تواند از بابت حمل، نفقه مطالبه کند؛ اما چنانچه نفقه ملحق به نفقه اقارب باشد، ماده ۱۲ در خصوص دادگاه صالح قابل استناد نیست؛ چراکه از شمول دعوی زوجین خارج می‌شود. در این صورت باید مطابق مراحل اقامه دعوی نفقه اولاد اقدام کند.

قانون در خصوص اقامه دعوی جهت دریافت نفقه حمل تصریحی ندارد و بنابر رأی که نفقه حمل را از باب قرابت می‌داند، می‌توان از مواد قانونی نفقه طفل در این باره بهره برد. بنابراین مطابق ماده ۶ ق.ح.خ.، مادر می‌تواند برای مطالبه نفقه جنین اقامه دعوی کند؛ اما این رأی نمی‌تواند تام باشد؛ چراکه با توجه به تصریح قانونگذار در ماده ۲۹ ق.ح.خ. باید میان نفقه طفل و نفقه حمل تفاوت قائل شد؛ از این رو در نظر گرفتن ماهیت مستقل برای نفقه حمل جهت مقابله با این گونه مشکلات تقویت می‌شود.

#### ۵. ماهیت مستقل نفقه جنین

آیه «وَإِنْ كُنَّ أَوْلَاتٍ حَمَلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» (طلاق ۶) مهم‌ترین مستند برای انفاق به زن مطلقه باردار است و آنچه از آیه به دست می‌آید وجوب انفاق به مطلقه حامل حتی در صورت طلاق بائن است؛ چراکه در آیه حمل شرط نفقه بیان می‌شود؛ اما در خصوص مالکیت نفقه و هویت آن، نمی‌توان به آیه مذکور استناد جست. برخی از مفسران نیز ذیل این آیه متعرض ماهیت نفقه حمل و مالکیت آن نشده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۶۴؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۳۱۷-۳۲۲)؛ حتی برخی اذعان داشته‌اند که سکوت در این باره شایسته است، چنانکه خداوند نیز در این باره سکوت کرده است (مقدس اردبیلی، بی‌تا، ص ۵۳۹-۵۴۰؛ فاضل جواد، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۶۳-۶۴).

در روایات نیز تصریحی در خصوص ماهیت نفقه جنین وجود ندارد و تنها وجوب انفاق به حامل در برخی شرایط مفارقت از زوج، مطرح شده است<sup>۱</sup> (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۱،

۱. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْحَامِلُ أَجْلُهَا أَنْ تَضَعَ حَمْلَهَا وَ عَلَيْهِ نَفَقَتُهَا بِالْمَعْرُوفِ حَتَّى تَضَعَ حَمْلَهَا.



ص ۵۱۸)؛ بنابراین عدم ظهور دلیل اقتضا می‌کند که نفقه جنین از حیث اینکه نفقه زوجیت باشد یا قرابت، مساوی است (صاحب جواهر، بی تا، ج ۳۱، ص ۳۲۴-۳۲۲، ۳۶۱).

بادقت در آراء و ادله می‌توان گفت اساساً اینکه گفته می‌شود نفقه یا برای زوجیت است یا قرابت، نمی‌تواند صحیح باشد؛ زیرا نفقه منشأ دیگری نیز دارد و دلیلی بر انحصار سببیت نفقه بر این دو امر وجود ندارد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ق، ج ۷، ص ۳۰). همچنین تشخیص جنین در مبانی و منابع حقوق اسلامی و وجود حقوق متعدد، از جمله دیه و ارث و نهاد امین بر جنین که پیش از تولد نیز متمتع از این حقوق مدنی است، مؤید این مطلب است؛ بنابراین با بررسی ادله و آراء فقهی درباره ماهیت نفقه جنین و آثار و معضلات مترتب بر تفاوت ماهوی، شایسته است نفقه حمل را نفقه‌ای مستقل در نظر گرفت که بنابر قواعد عامه، هرکجا ضرورت داشت، در حکم یکی از نفقه اقارب یا زوجیت باشد تا ملاک ثابتی برای این امر وجود داشته باشد و بنابه موارد مختلف احکام موردی تغییر نکند؛ از این رو انفاق به زوجه پس از مفارقت از زوج، در قالب نفقه جنین است و تنها در مفارقت به سبب لعان، به این جهت که انکار ولد توسط مرد، عدم پرداخت نفقه به زن حامل را به دنبال دارد، از موضوع بحث خارج است و تعیین هویت نفقه لازم نمی‌آید.

با وجود آنکه در آراء حقوق دانان اختلاف نظرهایی در خصوص ماهیت نفقه حمل و اینکه نفقه زوجیت یا قرابت است، به چشم می‌خورد، اما به نظر می‌رسد با تصویب قانون حمایت خانواده، قانون‌گذار به سمت تبیین هویتی مستقل برای نفقه گام برداشته است که نه ذیل نفقه زوجیت و نه ذیل نفقه قرابت قرار می‌گیرد. اگرچه در ماده ۴، تنها به نفقه زوجه و نفقه قرابت اشاره داشته و در خصوص نفقه حمل ابهام دارد؛ اما در ماده ۲۹ قانون مذکور، مبنی بر تعیین تکلیف حقوق مالی زوجه، نفقه حمل نیز در کنار نفقه زوجه و اطفال ذکر شده است.

به نظر می‌رسد ماده ۲۹ ق.ح.خ، با ماده ۱۱۰۹ ق.م.همخوانی ندارد. از طرفی قانون حمایت خانواده، قانونی شکلی و قانون مدنی درباره ماهیت امر است و از طرف دیگر از نظر زمانی مؤخر است. در هر صورت برای رفع ابهامات موجود و سامان‌دهی به تشتت رویه در این خصوص، قوه

قضائیه در لایحه اصلاحی قانون حمایت خانواده، ذیل عنوان «موارد قابل‌رسیدگی و در صلاحیت دادگاه خانواده»، «نقعه اقارب» موجود در بند ۱۴ ماده ۴ را به «هزینه‌ها و نقعه حمل و نقعه اقارب» تغییر داده است که گامی مؤثر در تعیین ماهیتی مستقل برای نقعه حمل می‌باشد.

### یافته‌های پژوهش

اختلاف نظر فقها و حقوق‌دانان در خصوص استحقاق زن باردار در دریافت نقعه در دوران عده طلاق رجعی و بائن، فسخ، عقد منقطع، لعان، وفات و باروری‌های غیرمعارف که ناشی از تفاوت رأی در ماهیت نقعه جنین است، آثار متعددی را به دنبال داشته است که مهم‌ترین آن‌ها اختلاف رأی درباره مالکیت زن یا جنین نسبت به مال انفاق شده و همچنین میزان و نحوه پرداخت آن به زن است. کسانی که نقعه حمل را ملحق به نقعه زوجه می‌دانند، مال انفاق شده را ملک زن می‌شمارند و ملاک در میزان پرداخت آن را متناسب با وضعیت و نیاز وی عنوان می‌کنند؛ اما قائلان به نقعه اقارب، نقعه را ملک حمل می‌دانند که میزان پرداخت آن به اندازه رفع نیاز منفق‌علیه و درجه استطاعت منفق است.

این اختلاف رأی معضلاتی را به دنبال دارد که عبارت است از: عس و حرج زن در استفاده از مال انفاق شده؛ تعیین نقعه در باروری‌های آزمایشگاهی و نامشروع که وجهی برای پرداخت نقعه به زن از باب زوجیت نیست؛ تشتت رویه در پرونده‌های قضایی و تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی نقعه جنین.

راه‌حل این مسائل و ایجاد وحدت رویه در این باره با لحاظ ماهیت مستقل برای نقعه جنین در شرایط مفارقت زن باردار از مرد، به جز جدایی به سبب لعان، امکان‌پذیر است و با این کار اختلاف آراء حقوق‌دانان و تشتت رویه در این خصوص به سمت ابهام‌زدایی و سامان‌دهی رویه مبتنی بر عدالت قضایی پیش خواهد رفت؛ چنان‌که بسیاری از حقوق‌دانان نیز ضرورت این امر را بدیهی دانسته‌اند و در لایحه اصلاحی قانون حمایت خانواده از سوی قوه قضائیه نیز «نقعه اقارب» موجود در بند ۱۴ ماده ۴ را به «هزینه‌ها و نقعه حمل و نقعه اقارب» تغییر داده شده است تا ماهیت مستقل نقعه حمل پررنگ‌تر شود.

## منابع

- آل طاهاه، سید حسین؛ مختاری افراکتی، نادر؛ بشیری، عارف؛ و نوری، سمیه (۱۳۹۸). «وضعیت حقوقی نفقه زن باردار در زمان عدّه طلاق بائن». پژوهش‌های فقهی، ۱۵ (۱)، ص ۱۱۵-۱۳۹.
- ابن‌براج، عبدالعزیز بن نحریر (۱۴۰۶ ق). المذهب. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- ابن‌حمزه، محمد بن علی (۱۴۰۸ ق). الوسيلة إلى نيل الفضيلة. قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفی (ره).
- اسدی، لیلا سادات؛ و شکری، فریده (۱۳۹۴). آیین دادرسی امور و دعاوی خانوادگی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام پردیس خواهران.
- اسفندیاری (اسلامی)، رضا؛ بکلو، اقدس (۱۴۰۰ ش). «تحمل هزینه‌های نفقه جنین آزمایشگاهی». پژوهشنامه مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی، ۱ (۲)، ص ۲۶۱-۲۴۲.
- امامی، سیدحسن (بی‌تا). حقوق ملانی. تهران: انتشارات اسلامیه.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۳۶۳). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- حاتمی، علی اصغر؛ اصمى اصطهباناتی، هاجر (۱۳۹۰). «بررسی فقهی - حقوقی نفقه زوجه در عدّه وفات». مطالعات حقوقی، ۳ (۱)، ص ۷۷-۱۰۲.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۹۲). تحریر الوسیلة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی (قدس سره).
- رحمانی، مهدی (۱۳۹۸). «بررسی نفقه زن باردار پس از انحلال نکاح در فقه امامیه، اهل سنت و حقوق». مطالعات راهبردی زنان، ۲۲ (۸۶)، ص ۱۰۷-۱۲۴.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۱۶ ق). نظام النکاح فی الشریعة الإسلامیة الغراء. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۱۳ ق). مذهب الأحکام فی بیان الحلال والحرام. قم: السيد عبد الاعلی السبزواری.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر (بی‌تا). جواهر الکلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۹۰ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق). المبسوط فی فقه الإمامیة. تهران: مكتبة المرتضویة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ ق). النهاية فی مجرد الفقه والفتاوی. بیروت: دار الكتاب العربی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ ق). قواعد الأحکام. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- فاضل جواد، جواد بن سعید (۱۳۶۵). مسالک الأفهام إلى آیات الأحکام. تهران: مرتضوی.

- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق). *كشف اللثام عن قواعد الأحكام*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- فخرالمحققین، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق). *إيضاح الفوائد في شرح إشكالات القواعد*. قم: اسماعیلیان.
- کریمی، نسرین؛ احمدی، فاطمه (۱۳۹۹). «مستحق نفقه در بائنه بارداری». *فقه و حقوق خانواده*، ۲۵ (۷۳)، ص ۴۷-۲۷.
- گروه فقه و حقوق و روانشناسی پژوهشکده ابن‌سینا (۱۳۸۰). *روش‌های نوین تولیدمثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق (مجموعه مقالات)*. تهران: سمت.
- محقق داماد، مصطفی (بی‌تا). *بررسی فقهی حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن*. قم: بی‌نا.
- معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه (۱۳۸۲). *مجموعه نشست‌های قضایی - مسائل قانون مدنی*. قم: انتشارات معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی‌تا). *زیادة البیان في أحكام القرآن*. تهران: مکتبه المرتضویة.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ ق). *کتاب النکاح*. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- مؤمن، محمد (۱۳۷۷/۱۱/۱۵). *سخنرانی در نخستین سمپوزیوم مسائل فقهی و حقوقی انتقال جنین*. دانشگاه تهران.
- میرزایی، علیرضا (۱۳۸۹). *محشی مجموعه قوانین و مقررات حقوقی*. تهران: بهنامی.
- نصرتی مراللو، عظیمه (۱۳۹۱). *لقاح مصنوعی و اهداء جنین از منظر فقه و حقوق اسلام*. تهران: خرسندی.
- وجدانی فخر، قدرت الله (۱۴۲۶ ق). *الجواهر الفخریة في شرح الروضة البهیة*. قم: سماء.
- یداللهی باغلوئی (۱۳۹۲). «بررسی فقهی حقوقی نفقه حمل ناشی از جانشینی در بارداری». *فقه پزشکی*، ۵ (۱۷)، ص ۱۰۸-۹۱.